



مهرسا



دلتا

الكساندر اشتفنس ماير • مترجم: مهدي شهشهانی فر

پیزه لوته

ناقلا شده!



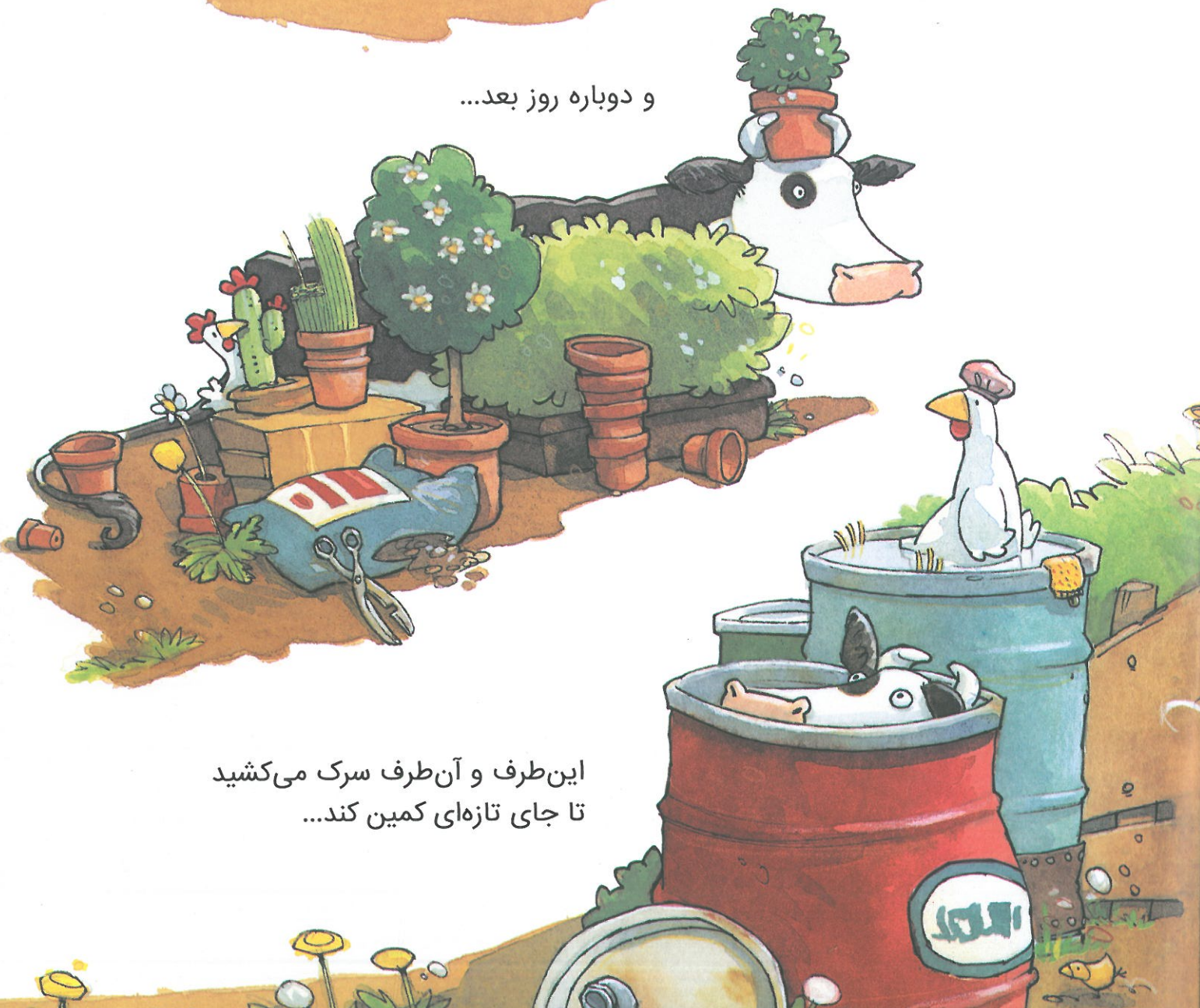
... چهارنعل دنبالش بیفتد و او را از مزرعه فراری بدهد.



لیزه لوته هر روز، یک جایی قایم می‌شد
و منتظر می‌ماند...



و دوباره روز بعد...



این طرف و آن طرف سرک می‌کشید
تا جای تازه‌ای کمین کند...